

خانبابا مشار، کتابشناس و فهرستنویسی سخت‌کوش به انضمام خاطراتی از استاد خلیل مستوفی^۱

علی صادق‌زاده وایقان^۲

مقدمه

در ایران بر خلاف بسیاری از کشورها، که کارهای بزرگ تألیفی و تدوینی در زمینه فرهنگ‌نویسی و فهرستنویسی به صورت گروهی و با حمایت دولت انجام می‌شود، این مهم توسط افرادی که عشق شدید به تحقیق و تألیف داشته و کمتر چشم‌داشت مادی دارند صورت می‌گیرد. حاصل کار آنان، پس از سال‌ها تلاش خستگی‌ناپذیر روی یک موضوع، ستایش‌انگیز و راهگشا و مرجع بسیار مهمی برای محقق می‌شود. شناختن این افراد، با شناخت اثرشان میسر است و در جامعه علمی با نام آن اثر اشتهار دارند. شیخ آقا بزرگ با تألیف *الذریعه*، علامه امینی با *التدویر*، مدرس تبریزی با *ریحانه‌الادب*، محمد علی بامداد با شرح *حال رجال ایران*، دهخدا با *لغت‌نامه*، دکتر معین با فرهنگ معین، محمد رازی با *گنجینه دانشمندان*، ایرج افشار با *فهرست مقالات فارسی*، از جمله این افرادند. یکی از این افراد عاشق و سخت‌کوش، خانبابا مشار، فهرستنویس کتاب‌های فارسی و ... است

۱. از استاد خلیل مستوفی (نسخه شناس و مقوم نسخه‌های خطی) برای در اختیار قراردادن خاطرات خود راجع به مشار، و نیز از جناب آقای سید محمدرضا فاضل هاشمی، رئیس محترم اداره مخطوطات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به جهت ارسال تصاویر یادداشت وقف‌نامه‌های شادروان خانبابا مشار از نسخه‌های خطی و جناب آقای کاظم آل رضا به جهت راهنمایی برای تکمیل مقاله، سپاسگزاری می‌نمایم.

۲. مدیر گروه فراهم‌آوری کتاب‌های خطی و نادر سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

Sadeghzadeh3832@yahoo.com

که تا آخر عمر بدین کار مشغول بود^۱ و به جاودانه‌های تاریخ فرهنگ و ادب ایران زمین پیوست.^۲ از طرفی اگر چند دهه به گذشته برگردیم و مروری بر خیابان جمهوری (شاه آباد سابق) - به ویژه از چهارراه مخبرالدوله تا میدان بهارستان - داشته باشیم، کتاب‌فروشی‌ها و فعالان برجسته حوزه کتاب و کتاب‌خانه‌ها و اساتید برجسته کشور را می‌توانیم به خاطر بیاوریم. جایی که یکی از پاتوق‌های مهم کتاب و کتاب‌دوستان در تهران، بلکه در ایران بود. منطقه‌ای کوچک از تهران بزرگ، اما با انسان‌های بزرگ، انسان‌هایی عالم و دانشمند، دوراندیش، آینده‌نگر و از همه مهم‌تر دلسوز عرصه علم و فرهنگ و معیاری برای سخت‌کوشی. مشار نیز برای تدوین و تکمیل آثار خویش، از جمله کسانی بود که در کتاب‌فروشی‌های این منطقه، شهرت نیکی داشت و با گذشت بیش از چهار پنج دهه خاطرش هنوز هم زنده است.

زیست نامه مشار

خانبابا مشار، فرزند مصطفی، در سال ۱۲۷۹ ش. در خانواده‌ای ملاک از دودمان قاجار در تهران چشم به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و متوسطه، مدت ۲۱ سال [۱۲۹۸-۱۳۱۸ ش.] در وزارت دارایی مشغول خدمت دولتی بوده، ضمن خدمت نزد اساتید وقت به تحصیل علوم قدیمه پرداخته است. وی بیشتر در قسمت ادارات تحدید کل و کارگزینی، مالیات بر درآمد و بایگانی کار می‌کرده و نقش مستوفیان را عهده‌دار بود. چند کلاس مالی را هم که برای کارمندان وزارتخانه تشکیل شده بود، اداره کرده است و قبل از آنکه به سن تقاعد برسد، در همان وزارتخانه بازنشسته گردید،^۳ با این اندیشه که با تکیه بر آموخته‌هایش در طول چهل سال به تحقیق و مطالعه پردازد. شوق مطالعه او را متوجه خلأیی کرد که در گذشته اسلاف او چون ابن ندیم (۳۷۷ق.) و حاجی خلیفه (م ۱۰۶۷ق.) آن را احساس کرده بودند. به همین منظور ایشان بار ۲۰۰ سال تلاش صنعت چاپ را به تنهایی بر دوش کشید تا فهرست توصیفی و تحلیلی کتاب‌هایی را گردآوری کند که بالغ بر ۲۰۰۰۰ عنوان می‌شد.^۴

خانبابا مشار از طفولیت به کتاب علاقه‌مند بوده و پول‌هایش را صرف خرید کتاب می‌کرده است. از اینجا به فکر تدوین فهرست کتاب‌ها افتاده تا با مراجعه به فهرست کتاب بخرد و یک کتاب

۱. محمدخانی، «خانبابا مشار و تداوم کار فهرست‌نویسی»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳: ۶

۲. قره خانی، «خانبابا مشار فهرست‌نویس فراموش شده!»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۷.

۳. افشار، «مشار، خانبابا»، دایره المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۷۴۰؛ شاکری، واقفین عمده کتاب به کتابخانه های آستان قدس رضوی، ص ۲۷؛ قره خانی، «خانبابا مشار فهرست‌نویس فراموش شده!»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۸؛ افشار، «خانبابا مشار (۱۲۷۹-۲۹ شهریور ۱۳۵۹ ش.)»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۳۹ و ...

۴. قره خانی، همان.

را دوباره نخرید. وی در سال ۱۳۱۸ پس از بازنشستگی داوطلبانه خود از خدمات دولتی، کنار فعالیت در امور کشاورزی، پرداختن به تهیه کتابشناسی را نیز آغاز کرد و از سال ۱۳۲۵ کار تدوین فهرست را به طور جدی پی گرفت. مشار برای گردآوری مواد اثر خود ۱۵ سال در ایران و عراق سفر کرد و از موجودی کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌های بسیاری در شهرهایی نظیر تهران، قم، اصفهان، مشهد، تبریز، نجف، و کربلا صورت‌برداری کرد.^۱ گزارشی از این سفرها و نحوه جمع‌آوری اطلاعات، توسط مشار در مقدمه فهرست‌ها ذکر شده، که بخشی از آنها به شرح ذیل است:

ایشان در «سراغاز جلد اول از چاپ اول فهرست کتاب‌های چاپ فارسی، ۲۲ بهمن ۱۳۳۶» مرقوم نموده: «... تنظیم فهرست مورد بحث به این کیفیت صورت گرفته است: بدو با مراجعه به فهرست کتابخانه‌های مجلس، مدرسه سپهسالار، عمومی معارف، دانشکده پزشکی طهران، دانشکده حقوق، آستان قدس رضوی، مدرسه فاضل خان و کتابخانه تربیت تبریز، اسامی کتاب‌های چاپی با مشخصات طبع و نام مؤلف و مترجم و سایر اطلاعات مورد نیاز استخراج شده است. سپس از روی برگه‌های کتابخانه مجلس، کتابخانه مدرسه سپهسالار، کتابخانه ملی (عمومی معارف)، کتابخانه فنی وزارت فرهنگ، کتابخانه دانشکده حقوق، کتابخانه دانشکده طب، کتابخانه دانشکده ادبیات، کتابخانه ملی ملک، کتابخانه دانشکده معقول و منقول و کتابخانه روزنامه اطلاعات، سایر اطلاعات لازمه جمع‌آوری گردیده است. در مورد کتابخانه‌های مدرسه فیضیه قم، کتابخانه مدرسه حجتیه قم، کتابخانه آستانه قم و کتابخانه مدرسه هندی کربلا که دارای هیچ گونه فهرست نبوده‌اند، اطلاعات مورد احتیاج پس از سفر به این نواحی از روی خود کتاب‌ها استخراج شده است.

همچنین در «سراغاز جلد دوم از چاپ اول فهرست اسامی مؤلفین» در سال ۱۳۴۲ مرقوم نموده: «از سال ۱۳۳۵ تا پایان سال ۱۳۳۹ ضمن جریان طبع جلد اول و شروع چاپ جلد دوم فهرست، با مراجعه به کتابفروشی‌های: ابن سینا، اسدی، جعفری، خیام، شمس، مصطفوی و مهدیه واقع در طهران، اطلاعات لازم جمع‌آوری گردید کتابفروشی‌های محمدی و مصطفوی قم و کتابخانه‌های: ملی تبریز، جوادین کاظمین، مدرسه جناب میرزا در سامرا، مدارس صدر، آخوند، بروجردی و سید کاظم در نجف، مکتبه امیرالمؤمنین و حسینیه شوشتری‌ها در نجف و مدرسه نواب در مشهد، اطلاعات لازم پس از سفر به این نقاط در سال‌های اخیر از روی کتاب‌ها استخراج گردید.»^۲

وی حدود ۳۰ سال از بهترین سال‌های حیات خویش را صرف گردآوری فهرست کتب چاپی کرد و برای گردآوری این فهرستگان‌ها، تلاش‌های زیادی به عمل آورد. [همان‌طور که اشاره شد] به نقاط مختلفی سفر کرد تا بتواند یک مجموعه کامل فراهم آورد. نکته جالب اینکه حاصل تمامی

۱. محمدخانی، «خانابا مشار و تداوم کار فهرست‌نویسی»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۳: ۶

۲. فقیهی محمدی، «یادکردی از یک عاشق صبور و شیفته کتاب»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۳۶؛ افشار، «مشار، خانابا»، همان؛ «خانابا مشار فهرست‌نویس کتاب‌های فارسی»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۴

۳. خانابا مشار، «سراغاز جلد دوم از چاپ اول فهرست اسامی مؤلفین»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۰

عمر خویش را به صورت رایگان در اختیار مردم قرار داد.^۱
مشار در نامه‌ای برای پاسخ به نامه ایرج افشار به تاریخ ۱۳۳۶/۳/۱۴ وضعیت زندگی خود را چنین بیان می‌کند: ... کسالت لرز شبانه پنده به لطف حضرت عالی در دو ماهه اخیر که به دکتر (عنایت الله) سمیعی مراجعه می‌کنم کاملاً تخفیف یافته و در این بیست روزه اخیر هشتاد درصد آن زایل شده. چون شبها راحت می‌خوابم روزها با قوای تازه به کار فهرست مشغول هستم. واقعاً در این یک سال و بلکه دو سال اخیر به جان کندن به کار اشتغال داشتم. در یکی دو ماه اخیر غالباً به قم مسافرت می‌کردم ...
مشار همسر و فرزندان مهربان داشت، به همین دلیل، در منزل کسی کاری به کار ایشان نداشت، شام و نهار و ... سر ساعت حاضر بود. دو پسر رشید و با فرهنگ ایشان پس از به پایان رساندن تحصیلات در بانک کار می‌کردند.^۲ همچنین سفرهای متعدد و طولانی مشار به اقصی نقاط ایران و کشورهای دیگر تأییدی بر همراهی خانواده مشار در شکل‌گیری آثار اوست.
خانبابا مشار، پس از تحمل سه سال بیماری، در ۲۹ شهریور ۱۳۵۹ درگذشت. اهمیت کار وی برای کتابشناسی ایران از آن روست که وی پایه کتابشناسی کتاب‌های چاپی فارسی را نهاد، کاری که پیش از او کسی به آن اقدام نکرده بود. کتاب او جامع‌ترین کتابشناسی کتاب‌های چاپی فارسی تا زمان انتشار آنهاست.^۳

آثار مشار

۱. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تا کنون / تألیف خانبابا مشار، تهران، شرکت سهامی چاپ رنگین، ۱۳۴۰ - ۱۳۴۴.
چاپ اول این کتاب با مقدمه سید حسن تقی‌زاده به تاریخ ۱۹ مهر ۱۳۴۰ و سرآغاز خانبابا مشار به تاریخ اول مهر ۱۳۴۰ منتشر شده است. سر آغاز دیگر از خانبابا مشار در جلد دوم از چاپ اول این کتاب به تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۴۰ درج گردیده که نکات مهمی از نواقصات برطرف شده در بقیه مجلدات را دربر دارد.
[مشخصات: جلد اول: الف، چاپ: ۱۳۴۰ / جلد دوم: ب - ح، چاپ: ۱۳۴۰ / جلد سوم: خ - عبدالله، چاپ: ۱۳۴۱ / جلد چهارم: عبدالمومن - قییم علی، چاپ: ۱۳۴۲ / جلد پنجم: ک - محمدیه، چاپ: ۱۳۴۳ / جلد ششم: محمود - یهو، چاپ: فروردین ۱۳۴۴].
این اثر تألیف اصلی مشار محسوب می‌شود که یک زندگینامه - کتابشناسی به سبک معجم

۱. قره‌خانی، همان، ص ۵۷

۲. افشار، ایرج، همان، ص ۴۱

۳. «خانبابا مشار فهرست‌نویس کتاب‌های فارسی»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۴

۴. افشار، ابراهیم، ص ۱۷۴۱

المطبوعات العربیة و المغربیة (۱۳۳۹ق/۱۲۹۹ش)، تألیف یوسف الیان سرکیس است.^۱ وی این اثر گرانقدر خود را با هزینه شخصی در ۶ جلد منتشر کرده است. در این زندگی‌نامه - کتابشناسی ذیل نام افراد، که در موارد بسیاری اثر با زندگی‌نامه مختصر آنها نیز همراه است، آثار چاپ شده آنها نیز ذکر شده است. در این اثر به پیروی از سبک معجم المطبوعات العربیة و المغربیة (۱۳۳۹ق/۱۲۹۹ش)، افراد به ترتیب نام کوچک و سپس نام پدرشان معرفی شده‌اند و نام خانوادگی در آن نقشی ندارد. البته این سنت رایج عربی برای فارسی‌زبانان معاصر نام‌نوس و اشکالی است که باید با تهیه نمایه الفبایی از شکل اشهر نام کسان برطرف شود.^۲

۲. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (فهرست بر حسب اسامی کتاب) / گردآورنده خانبابا مشار. این اثر ۲ نوبت با اضافات و تغییراتی تجدید چاپ شده که در ادامه توضیح داده می‌شود. **چاپ اول:** جلد اول از چاپ اول این کتاب با مقدمه سید حسن تقی زاده به تاریخ اول بهمن ۱۳۳۶، توضیح احسان یارشاطر، دبیر انجمن فلسفه و علوم انسانی، به تاریخ خرداد ۱۳۳۷^۳ و سرآغاز خانبابا مشار به تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۳۶، منتشر شده است. سرآغاز دیگر از خانبابا مشار در جلد دوم از چاپ اول این فهرست درج گردیده که نکات مهمی از نواقصات برطرف شده در جلد دوم را نسبت به جلد اول دربر دارد. این اثر حاوی مشخصات حدود ۱۴۰۰۰ (از بین ۲۰۰۰۰) عنوان کتاب فارسی انتشار یافته تا آن زمان [در جهان] است و نخستین فهرست نسبتاً جامع کتاب‌های چاپی فارسی محسوب می‌شود. جلد اول این کتاب بر حسب اسامی کتب در سال ۱۳۳۷ و جلد دوم که تکمله و فهرست کتاب‌ها و فهرست نویسندگان را نیز شامل می‌شد، در ۱۳۴۲ به چاپ رسید. مشخصات چاپ اول: [انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۵۶، مجموعه ایران شناسی، ۹، زیر نظر احسان یارشاطر]. تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷-۱۳۴۲. (جلد اول: چاپ ۱۳۳۷، شامل سیزده صفحه + ۱۱۷۰ ستون؛ جلد دوم: چاپ ۱۳۴۲، شامل ۸ صفحه + از ستون ۱۱۷۱ تا ستون ۲۹۵۹ در ۳۰۳ صفحه)].

چاپ دوم: دوره سه جلدی با اضافات و به وسیله بنگاه چاپ و نشر انجام شده است.

چاپ سوم: چاپ سوم و نهایی آن که با سرمایه خود مشار به انجام رسید، در پنج جلد و به سال ۱۳۵۰ بدون فهرست اعلام، در چاپخانه ارژنگ تجدید چاپ شد. این چاپ، آثار مطبوعه فارسی را تا سال ۱۳۵۰ شامل می‌شود (برگرفته از سایت مشار).^۴ اما افشار^۴ بیان کرده انتشارات کشور را تا ۱۳۴۵ به آن افزوده، که نیازمند بررسی است.

۱. همان، ص ۱۷۴۰

۲. همان، ص ۱۷۴۱

۳. این توضیح در نشریه پیام بهارستان (سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند ۱۳۸۴، ص ۵۵ و ۵۶) تحت عنوان «تصمیم انجمن فلسفه و علوم نظری در انتشار فهرست مشار» به قلم احسان یارشاطر منتشر شده است.

۴. افشار، ابراهیم، ص ۱۷۴۰

مشخصات چاپ سوم: [تهران: چاپخانه ارژنگ]: جلد اول: الف - ت، چاپ: بهمن ۱۳۵۰/ جلد دوم: ث - ژ، چاپ: دی ۱۳۵۱/ جلد سوم: س - ق، دی ۱۳۵۲/ جلد چهارم: ک - م، دی ۱۳۵۳/ جلد پنجم: ن - ی، خرداد ۱۳۵۳].

مشار در سرآغاز این فهرست آورده: اینجانب متجاوز از ده سال^۱ است که به تنظیم فهرستی به سبک «معجم المطبوعات» شامل عموم کتاب‌های چاپی فارسی، (و نیز کتب عربی، قسمت عمده چاپ ایران) از ابتدای رواج صنعت چاپ تا به حال اشتغال دارم. در این فهرست برای هر یک از مؤلفان و مترجمان در حدود امکان بذکر خصوصیات ذیل مبادرت کرده‌ام: اسم و اسم پدر، نام خانواده، لقب کنیه، تخلص، تاریخ وفات راجع به گذشتگان در ذیل آن، پس از آن شرح حال و عکس، بعد اسامی کتاب‌هایی که از هر یک به طبع رسیده با مشخصات طبع.

این فهرست بیشتر مورد مراجعه و سبب شهرت مشار است.^۲ این اثر حاصل ابراز علاقه انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی به سرپرستی سیدحسن تقی‌زاده نسبت به تهیه کتابشناسی جامع انتشارات فارسی در رشته‌های مورد علاقه انجمن بود. انجمن مذکور پس از اطلاع از کار مشار به وی پیشنهاد کرد از دستنویس‌هایی که برای مؤلفین کتب چاپی و عربی گردآوری کرده بود، یک فهرست الفبایی از نام کتاب‌های چاپی فارسی تهیه کند. مشار این پیشنهاد را پذیرفت و حاصل کار خود را به رایگان در اختیار انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی گذارد. ایشان یک دوره از این کتاب را طی یادداشتی در تاریخ ۱۳۳۷/۸/۳ به کتابخانه ملی ایران اهدا نموده است (تصویر ۱).

۳. فهرست کتاب‌های چاپی عربی ایران: از آغاز تا کنون، سایر کشورها: بیشتر از سال ۱۳۴۰ به بعد/ تألیف خانبابا مشار، تهران، چاپ رنگین، شهریور ۱۳۴۴. بیست، ۱۰۱۴، [۱۰۹]ص.

۴. ترجمه مجالس الفصول المختاره من العیون و المحاسن، معروف به مجالس/ تألیف شیخ مفید ابو عبدالله محمد بن محمد النعمان، انتخاب (تلخیص) مرتضی علم الهدی ابوالقاسم علی بن الحسین مولوی، ترجمه جمال الدین محمد بن آقا حسین محقق خوانساری، به تصحیح و اهتمام خانبابا مشار، تهران، نوید، ۱۳۶۳.

آثار برگرفته از فهرس و تألیفات مشار

آثار مشار علاوه بر اینکه ابزار بسیار مهم و مناسبی برای پژوهشگران است و در منابع مرجع مهمی از قبیل «فهرست اعلام الذریعه الی تصانیف الشیعه (الجزء الاول)، تألیف علینقی منزوی،

۱. در چاپ‌های بعدی کتاب، فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، این سرآغاز که به قلم شادروان مشار است عیناً و تنها با تغییر رقم ده به بیست و سی سال آمده است.

۲. افشار، ابراهیم، همان، ص ۱۷۴۰

ارجاعاتی به کتاب‌های خانبابا مشار دارند، منشأ تألیفات و پژوهش‌های با ارزش و مهم دیگری را رقم زده که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

الف - کتاب‌ها

۱. فهرست کتاب‌های چاپی از آغاز تا آخر سال ۱۳۴۵ بر اساس فهرست خانبابا مشار و فهارس انجمن کتاب (انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب: ۴۰۹، مجموعه ایران شناسی: ۶۱، زیر نظر احسان یارشاطر). تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب: انجمن کتاب، ۱۳۵۲.

[مشخصات: جلد اول: الف - د / جلد دوم: ذ - ی / جلد سوم: اعلام، شامل: نام مؤلفان، شاعران، نویسندگان، مترجمان، مصححین، مقدمه نویسان و دیگر اشخاصی که در تألیف و تدوین کتب مباشرت داشته‌اند].

این کتاب با مقدمه سید حسن تقی‌زاده به تاریخ اول بهمن ۱۳۳۶، توضیح احسان یارشاطر، دبیر انجمن فلسفه و علوم انسانی، به تاریخ خرداد ۱۳۳۷ و سرآغاز خانبابا مشار به تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۳۶ مندرج در: فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (فهرست بر حسب اسامی کتاب) به انضمام سر آغاز جلد دوم از چاپ اول مشار به تاریخ ۱۳۴۲/۵/۲۱ منتشر شده است.

۲. فهرست کتاب‌های چاپی فارسی: ذیل فهرست مشار، شامل نام ۷۴۸ کتاب / گردآورنده کرامت رعنا حسینی. تهران، انجمن کتاب، ۱۳۴۹.

ب - پایان نامه‌ها

۱. فهرست اعلام مستند مؤلفین کتب چاپی مشار (جلد اول) / تهیه و تنظیم: روزا کیانی. استاد راهنما: کامران فانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۶=۲۵۳۶.

۲. فهرست اعلام مستند مؤلفین کتب چاپی مشار (جلد دوم) / تهیه و تنظیم: محمد پیفون. استاد راهنما: بهاء‌الدین خرمشاهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۶=۲۵۳۶.

۳. فهرست اعلام مستند مؤلفین کتب چاپی مشار (جلد سوم) / تهیه و تنظیم: معصومه عبداللهیان. استاد راهنما: بهاء‌الدین خرمشاهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۶=۲۵۳۶.

۴. فهرست اعلام مستند مؤلفین کتب چاپی مشار (جلد چهارم) / تهیه و تنظیم: مهتری پریخ. استاد راهنما: کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۶=۲۵۳۶.

۵. فهرست اعلام مستند مؤلفین کتب چاپی مشار (جلد پنجم) / تهیه و تنظیم: فریده‌السادات کاظمیان. استاد راهنما: کامران فانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشگاه تهران، دانشکده

علوم تربیتی، ۲۵۳۶=۱۳۵۶.

۶. فهرست اعلام مستند مؤلفین کتب چاپی مشار (جلد ششم)/ تهیه و تنظیم: محسن گل محمدی. استاد راهنما: کامران فانی، پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۲۵۳۶=۱۳۵۶.

اهمیت و عظمت کار مشار

در مقدمه کتاب مؤلفین کتاب‌های چاپی فارسی و عربی از آغاز تا کنون (جلد اول) در سال ۱۳۴۰ مرحوم سید حسن تقی‌زاده^۱ بیان می‌کند: «از خدمت عظیم آقای خانبابا مشار به علم و ادب فارسی، غالب ایرانیان به وسیله کتاب خیلی مفید ایشان یعنی فهرست کتاب‌های چاپی فارسی که سه سال قبل انتشار یافته مستحضرند... درک اهمیت و عظمت این کار سهل نیست.» شاید بعضی از مشکلات و سختی کار که در ذیل اشاره می‌شود، اهمیت و عظمت کار مشار را تا حدودی روشن نماید.

۱. او برای گردآوری مواد خام این مجموعه عظیم کتاب‌شناسی، چیزی در اختیار نداشت، جز عزمی بلند، که نه کتاب‌فروشان بر اهمیت تلاش او آگاه بودند و نه کتابداران آن روز، و مشار بدون هیچ پشتوانه‌ای و بدون تکیه به نهادی، سازمانی، بنیادی و ... آثارش را خلق کرده است.^۲

۲. وی به لحاظ آکادمیک هیچ تحصیلات، تجربه و تخصصی در این قبیل امور - فهرستنگاری - نداشته است.

۳. حوزه کاری او اصلاً به این عرصه و به طور کلی حوزه فرهنگ و تدوین و تألیف و ... ارتباطی نمی‌یافت اما عشق و علاقه او به انجام این کار ماندنی و بزرگ، با انگیزه‌های چندان قوی همراه بود که علیرغم حضور بسیاری از پیشگامان این طریق و اساتید برجسته‌ی این حوزه در محافل ادبی، فرهنگی و علمی از جمله دانشگاه‌ها، چنان کرد که وقتی در اواخر کار خود قرار داشت، تازه ضرورت‌های این اقدام برای اهل فن نمود و ظهور می‌یافت.^۳

۴. [پنجاه] سال پیش که اینترنت، ماهواره، رایانه و این قبیل رسانه‌ها در اختیار نبود، جمع‌آوری [فهرست] کلیه کتاب‌های چاپی کار چندان آسانی نبوده، ولی این کار غیر ممکن با همت والای آقای خانبابا مشار ممکن شد.^۴

۵. هرچه از زمین‌داری به دست می‌آورد و همچنین املاکی که می‌توانست زندگی راحتی و آرامی داشته باشد، صرف خلق آثار جاودانه خود کرد، هر چند در کهنسالی با مشکلات مالی دست به

۱. تقی زاده، «ضرورت اقدام مشار»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۴۹.

۲. قره‌خانی، همان، ص ۵۷

۳. فقیهی محمدی، «یادکردی از یک عاشق صبور و شیفته کتاب»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۸

۴. قره‌خانی، همان..

گریبان شد^۱.

۶. آثار چاپی فارسی در سراسر کشور و حتی عراق و لبنان پراکنده بود و ایشان برای جمع‌آوری اطلاعات آنها شخصاً اقدام نموده است و در این راه مشقت‌های سفر، دوری از خانواده و هزینه‌های آن را به جان خریده است.

۷. مشار در تدوین آثار خود به ویژه «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی» از استانداردهای بین‌المللی که در تنظیم این نوع فهرس (بیبلیوگرافی) متداول است، بهره گرفته^۲.
۸. در حقیقت اثر نفیس و گرانبیایه «فهرست کتاب‌های چاپ فارسی» کتاب‌شناسی ملی ایران محسوب می‌شود^۳.

۹. معمولاً تدوین چنین آثاری از عهده یک فرد خارج است و در اغلب کشورهای دیگر به صورت گروهی و با حمایت مؤسسه یا نهادی انجام گرفته است، ولی ایشان به تنهایی و با سرمایه شخصی این آثار را به سر انجام رسانده است.

۱۰. استاد ایرج افشار در مورد عظمت و اهمیت کار مشار در مقاله‌ای به جهت معرفی فهرست کتاب‌های چاپی فارسی خانبابا مشار که در راهنمای کتاب (۱۳۳۷، ص ۲۵۶-۲۶۰)^۴ چاپ شده، بیان می‌کند: «... پس حدود سیصد و هفتاد و سه سال است که در جهان و حدود یکصد و پانزده سال است که در ایران کتاب فارسی چاپ می‌شود و به طوری که تخمین زده می‌شود طی این مدت دراز حدود بیست هزار جلد کتاب فارسی طبع شده است (راستی جای افسوس بسیارست که مجموعه‌ای از همه آنها در هیچ یک از کتابخانه‌های جهان نیست). فراهم آوردن فهرست دقیق برای کتاب‌هایی که در این مدت نسبتاً دراز در اقصای عالم به زبان فارسی چاپ شده است کار آسانی نیست. البته محال نیست اما بسیار دشوار است. اگر تاکنون چنین امر مهم - که در ممالک دیگر توجهی عظیم بدان می‌شود - مورد توجه نبوده همانا به سبب دشواری و گرانی کار بوده است. برای کتب چاپ شده فارسی، فهرست نسبتاً جامع که حاوی هشتاد درصد از نام جمیع آنها باشد تاکنون نداشتیم. فهرست‌هایی که مورد مراجعه و استفاده اهل تحقیق بود چند فهرستی است که در کتابخانه‌های اروپا تهیه شده است و مشتمل بر فهرست کتب چاپ فارسی یا فهرست عام برای کتب خطی و چاپی است که در کتابخانه‌ها وجود دارد. یکی از دشواری‌های گران در تدوین فهرست نسبتاً جامع برای کتب چاپ شده فارسی، پراکندگی کتاب‌هاست، بدین معنی که نه مجموعه‌ای کامل از آنها در کتابخانه‌ها است و نه ذکر آنها در فهرست‌ها به صورت جامع و صحیح و کامل مذکور افتاده است.

۱. همان، ص ۵۷-۵۸.

۲. یارشاطر، احسان، «تصمیم انجمن فلسفه و علوم نظری در انتشار فهرست مشار»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۵.

۳. صبا، محسن، «خدمت شایان توجه مشار به فرهنگ و ادب فارسی»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۵۲.

۴. افشار، ایرج، «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۴۵-۴۷.

کار آقای مشار که همت به تدوین و جمع‌آوری فهرست مورد بحث گماشته کاری بسیار گران و دشوار بود که شوق و همت و دانایی نخستین مایه برآوردن آن شده است. این کتاب... بدون تردید کاری است نظیر آنچه حاجی خلیفه در تألیف کشف‌الظنون کرد و اطلاعات کثیر و مفید راجع به کتب اسلامی را در مجموعه‌ای دقیق و گرانها جمع آورد. استفاده از کتابخانه‌های عمومی در ایران به راستی مشکل است. دریغ کتاب‌دوست و کتاب‌خوان همواره آن ست که کتابخانه‌ها راه استفاده را بر آنان آسان نکرده‌اند. آقای مشار هم هنگام مراجعه به کتابخانه‌ها، بی‌گمان از دشواری و ممانعت‌های دل‌آزار برخوردار بوده و برای به پایان رسانیدن کار سودمند خود تحمل ناروایی‌های بسیار را کرده است.

فهرست آقای مشار، از این پس یکی از مراجع مهم تحقیق برای کسانی است که در باب کتاب‌های فارسی تجسس و تفحص می‌کنند. نیز مراجعی است معتبر، جهت تحقیق در مسائل و مباحث دیگر. با این فهرست کارهای تازه و محققانه می‌توان کرد و وسیله‌ای است برای تدوین فهرست‌های موضوعی در مباحث مختلف.

۱۱. همچنین استاد ایرج افشار^۱ در خاطرات خودش در خصوص سخت‌کوشی و شیوه زندگی و فعالیت مشار چنین نوشته است: «در سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۲، مردی که در آن روزگاران به تصویر من سنین عمرش نزدیک به شصت می‌نمود، به کتابخانه دانشکده حقوق مراجعه می‌کرد و از روی فهرست‌های برگه‌ای اسم کتب و اسم مؤلفان یادداشت‌هایی بر می‌داشت. تقریباً اوایل وقت اداری می‌آمد و قریب به ظهر می‌رفت. چند روزی گذشت حس کنج‌کاوی مرا بر آن داشت که از ایشان سؤال کنم چه می‌طلبند و آیا از من کمکی برمی‌آید. خود را معرفی کرد و گفت چون شنیده‌ام که این کتابخانه از حیث کتب چاپی فارسی و عرب غنی‌تر از کتابخانه‌های دیگر ایران و خوشبختانه دارای فهرستی است که تا آخرین کتاب‌های دریافتی را مشخص می‌سازد، سعی می‌کنم همه روز بیایم تا اسامی کتب و مؤلفان را برای کتابی که تهیه کرده‌ام استخراج و به کتاب خود الحاق کنم. از این دم با نام خانبابا مشار آشنا شدم و کارم به ارادت‌ورزی به او کشید. چند روز پس از آشنایی یک جلد از دست‌نویس تألیف خود را همراه آورد که به محمدتقی دانش‌پژوه و من نشان بدهد (در آن ایام سعادت آن داشتم که در محضر دانش‌پژوه خدمت کننده به آن کتابخانه بودم). کتاب قطع رحلی (نیم ورقی) داشت و بسیار قطور تجلید شده بود. چون باز کردم و نگرستم معلوم شد تألیفی است تذکره مانند... به راستی در همان ملاحظه نخستین اهمیت کار مؤلف و گرانی و دشواری کار و پشتکار و همتش مایه اعجاب دانش‌پژوه و من شد. مرحوم مشار پس از یکی دو روز دیگر که زبان تفاهمی میان‌مان به وجود آمده و مجال صحبت ادبی بین او و ما پیدا شده بود، گفت آیا ممکن نیست که روزهای پنجشنبه ظهر که کتابخانه تعطیل می‌شود و به جعبه‌های برگه‌دان

۱. افشار، ایرج، «خانبابا مشار (۱۲۷۹-۲۹ شهریور ۱۳۵۹ ش)»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۳۹.

احتیاجی نیست، یک جعبه از آنها به طور امانت در اختیار من گذاشته شود تا به منزل ببرم و یک روز و نیم تعطیل را در منزل به استخراج موارد مورد حاجت خود پردازم. فی الفور به مصداق «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست» پذیرفتیم تا به آن کار گران کمکی شده باشد. چند هفته این کار انجام شد. نتیجه آن شد که آن مرد عاشق پرکار زودتر به مقصود رسید.

۱۲. مشار در نامه‌ای برای پاسخ به نامه ایرج افشار به تاریخ ۱۳۶/۳/۱۴^{۱۱} به برخی مشکلات کار خود اشاره کرده، می‌نویسد: در مدرسه مروی نزدیک شمس‌العماره یک مشت کتاب جا به جا موجود است. بنده چند مراتب مراجعه کردم، در فضای کتابخانه، مدرس با چند نفر طلاب مشغول درس و بحث بودند، از بنده سؤالاتی کردند. گفتم کار بنده با کتابخانه است و مقصود تهیه فهرست از کتب چاپی است. اوضاع و احوال اینجا با تقاضای بنده موافقت ندارد. بعد موضوع را به آقای (عبدالحسین) زرین کوب در میان گذاردم. چون جناب تقی‌زاده وعده صریح داده بودند که بنده در هر کجا برای صورت‌برداری از کتب کتابخانه‌ها به موانع برخورد کنم معزی الیه آن موانع را جدا رفع خواهند فرمود، این بود به نام رئیس کتابخانه مروی در یک ماه قبل که هنوز صحبت استعفای معزی‌الیه به میان نیامده بود، سفارش کتبی توسط بنده صادر شد. از قرار مذکور رئیس کتابخانه غیر از آن آقای مدرس است که در فضای کتابخانه به درس و بحث می‌پرداخت.

۱۳. بعضی وقت‌ها به خاطر عکس مؤلفی، هزینه پرداخت کتابی را به جان خریده است. زیرا در آن ایام در صنعت چاپ و نشر، از دستگاه کپی، اسکن و امثال آن خبری نبود. در این خصوص یکی از مجموعه‌داران به نام آقای حاجی باقر ترقی تعریف می‌کردند: عکس پدرم یا عمویم را ایشان چاپ کردند، در حالی که ما خودمان آن عکس را نداشتیم و نمی‌دانیم ایشان از کجا پیدا کرده‌اند و این هم یکی دیگر از نمونه‌های بارز سخت‌کوشی ایشان است (برگرفته از: خاطرات مستوفی).

کتابخانه مشار

خانابا مشار از طفولیت به کتاب علاقه‌مند بوده و پول‌های عید و توجییبی خود را صرف خرید کتاب می‌کرده، همچنین تعداد قابل توجهی نیز ارثیه همسرش بود. پدر زن ایشان از رجال و خانواده سرشناس بود و مدتی نیز پست وزارت داشتند و از کلیه روزنامه‌های آن زمان دریافت کرده بودند که نصیب کتابخانه مشار شده بود و به همین دلیل کتابخانه‌ای غنی و نفیس فراهم آورده بود. ایشان در حدود سال‌های ۱۳۳۸ شمسی (تصویر ۲) و ۱۳۸۶ قمری (تصویر ۳) بخش مهمی از کتابخانه خویش یعنی نسخه‌های خطی را به کتابخانه آستان قدس رضوی وقف نموده است. شاکری^۲ در کتاب واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی نوشته: «مشار در سال

۱. افشار، ایرج، «خانابا مشار (۱۲۷۹-۲۹ شهریور ۱۳۵۹ ش)»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۴۱

۲. شاکری، رضاعلی، واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، ص ۲۷-۲۸

۱۳۴۵ش تعداد ۶۷۴ نسخه کتاب را که ۴۶۴ نسخه‌ی آن خطی بود به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی وقف نموده است. «این حرکت مشار نشانگر سخاوت و عشق و علاقه‌ی ایشان به ائمه اطهار (ع) است. ایشان بخشی از کتابخانه‌ی خویش را به تدریج به کتابفروشی مستوفی فروخته است. شاید فروش تدریجی کتاب‌ها در اواخر زندگی برای تأمین هزینه زندگی بوده باشد، زیرا اگر چنین مشکلی نداشت قطعاً همانند کتاب‌های با ارزش خطی وقف می‌نمود.»

پایگاه کتاب‌شناختی مشار

یکی از پایگاه‌های بزرگ کتاب‌شناختی کتابخانه مجلس «پایگاه کتاب‌شناختی مشار» با بیش از ۸۰۰ هزار رکورد است که اطلاعات کامل فهرست کتاب‌های چاپی مشار روی این سایت قرار گرفته است. همچنین این سایت به طور مستقیم با آدرس (WWW.moshar.ir) قابل دسترسی است. طبق گزارش کتابخانه مجلس در سال ۱۳۹۱، فهرست کامل منشورات ایران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۹ در این سایت موجود بوده و مشخصات نزدیک به یک میلیون کتاب در آن ثبت شده و قرار است تا پنج میلیون عنوان برسد.

تجلیل از مشار

تقی‌زاده در مقدمه فهرست کتاب‌های چاپی فارسی به تاریخ اول بهمن ۱۳۳۶ بیان می‌کند: «قدر و قیمت چنین کتابی را بسیاری نمی‌دانند و به همین جهت آقای مشار نیز مجهول‌القدر است. اگر طریقه حامیان قدیم علم و ادب مانند نصر بن احمد سامانی اکنون رایج بود، باید به جای یک میلیون درهم، یک میلیون دینار به ایشان صله [جایزه] این اثر گرانبمایه داده می‌شد. با این اوصاف، تاکنون تجلیل و تکریم شایسته‌ای از خانبابا مشار صورت نگرفته، نام او زینت‌بخش نام بن بستی، کوچه‌ای، خیابانی، کتابخانه‌ای، موزه‌ای و ... نگردیده، ارج‌نامه یا کتابی در پاسداشت او منتشر نشده، اما فراموش هم نشده است. در ادامه به سه مورد از این اقدامات اشاره می‌شود.»

الف - پدیدآورندگان کتاب‌های ایران سال ۱۳۴۲ (با فروست: کتاب‌شناسی ملی ایران: ۱۰) که در سال ۱۳۴۴ توسط انجمن کتاب چاپ شده است، به خاطر تألیف دو کتاب جامع فهرست کتاب‌های چاپی فارسی (جلد ۲) و مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز تا کنون (جلد ۱)، این اثر را به ایشان اهداء و تقدیم نموده‌اند (تصویر ۴).

ب - دست‌اندرکاران کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ضمیمه شماره ۵۷ مجله پیام بهارستان (سال پنجم، اسفند ۱۳۸۴) را تحت عنوان خانبابا مشار اولین فهرست‌نویس کتب چاپی فارسی به این موضوع اختصاص داده‌اند که شامل ۱۳ مقاله و یادداشت است. در مقدمه

۱. تقی‌زاده، سیدحسن، «مقدمه چاپ اول فهرست کتب چاپی فارسی»، پیام بهارستان، ۱۳۸۴: ۴۴

این ضمیمه آمده است: «علی‌رغم زحمات فراوان و خدمات ارزنده شادروان، زنده یاد، خانبابا مشار - اولین فهرست‌نویس کتب چاپی فارسی - به زعم نگارنده یادکردی شایسته و بایسته از او هرگز به انجام نرسید. این مجموعه در پاسداشت تلاش‌های طاقت‌فرسا و اهتمام فراوان آن مرحوم بر اساس مقدمه، پیشگفتار، مقاله و یادداشت‌هایی تنظیم شده که بزرگان و اساتیدی چون شادروان سید حسن تقی زاده، دکتر احسان یارشاطر، دکتر محسن صبا و استاد ایرج افشار در خصوص مشار و آثار ارزشمند وی، در کتاب‌های تألیف شده توسط او یا در دیگر منابع مرقوم داشته‌اند و نیز در پایان، مقاله‌ای از یک دانشجوی^۱ علاقه‌مند که آثار ارزشمند او را پاس می‌دارد. دفتر مجله «تصویر ۵». نگارنده ضمیمه فوق را به دقت مورد مطالعه قرار داده و از تمامی مقالات و یادداشت‌ها استفاده نموده است. به همین دلیل مشخصات کامل آنها در فهرست منابع وجود دارد.

ج = دست‌اندرکاران بیست و ششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ایران در عصر چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت مصادف با سالروز ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز مادر، سال ۱۳۹۲ در مصالای تهران نشستی را به پاس خدمات ارزنده مشار ترتیب داده بودند که به علت تقارن با مراسم ترحیم شادروان استاد عباس حری، استاد برجسته کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، برگزار نشد و به مناسبتی دیگر موکول گردید. اما انگیزه نگارش این مقاله حاصل همین نشست برگزار نشده است.

خانبابا مشار از زبان مستوفی

استاد خلیل مستوفی حدود پنجاه سال در خیابان جمهوری (منطقه شاه‌آباد سابق) گذران عمر نموده و بهترین ایام عمر و زندگی خویش را با علاقه‌مندان به کتاب سپری کرده است. وی اندوخته و افتخاری جزء همنشینی با اساتید حوزه علم و فرهنگ و همکاران دلسوز و انسان‌های عاشق کتاب ندارد. یکی از این انسان‌های وارسته و نام‌آشنای حوزه کتاب، علم و فرهنگ شادروان خانبابا مشار بود.

خانبابا مشار علاوه بر آنکه منزل بیلاقی در میدان قدس داشت، بیشتر اوقات در منزل با صفای خویش در ظهیرالاسلام سکونت داشت که دفتر کارش نیز محسوب می‌شد. به ویژه در اواخر عمر که به علت کسالت و بیماری، بیلاق و هوای سرد برایش مناسب نبود و در تمام طول سال حتی در تابستان به محیطی گرم نیاز داشتند بیشتر ایام در ظهیرالاسلام زندگی می‌کرد.

با توجه به اینکه کتاب‌فروشی استاد مستوفی (کتابخانه مستوفی) نزدیک خیابان ظهیرالاسلام واقع شده است، ایشان از هر فرصتی برای تکمیل تحقیقات خویش و یا تنوع و استراحت و رفع خستگی از چندین ساعت مطالعه و تحقیق و به اصطلاح امروزی در مدارس و دانشگاه‌ها، در زنگ‌های تفریح نیز به کتاب‌فروشی مستوفی می‌آمدند. به همین دلیل توفیق مباشرت و همنشینی

۱. مهسا قره‌خانی، دانشجوی کتابداری دانشگاه آزاد

با ایشان نصیب استاد مستوفی گردیده است. استاد مستوفی بیان می‌کند: مشار ویژگی‌های بارز و برجسته زیادی داشت که ذکر همه آنها مقدور نیست و کتاب‌ها می‌توان نوشت. اما جهت ادای دین به این انسان وارسته و زحمتکش به چند مورد از خصوصیات اخلاقی و علمی ایشان، اشاره‌ای مختصر می‌نمایم [آنچه در ادامه می‌آید، برگرفته از خاطرات استاد مستوفی و از زبان ایشان بیان شده است].

۱. سخت‌کوشی، حوصله و پیگیری استاد کم نظیر بود

در آن ایام امکانات، ارتباطات، فناوری، کتابخانه‌های غنی و متعدد و حمایت‌های فعلی وجود نداشت، کار پژوهش و تحقیق به ویژه تهیه کردن فیش‌ها کار سخت و طاقت‌فرسایی بود. ایشان مجبور بود به کتابخانه‌های دولتی و شخصی تهران و شهرستان‌ها مراجعه نماید. گاهی اوقات مدیران کتابخانه‌ها به ویژه صاحبان کتابخانه‌های شخصی اجازه نمی‌دادند ایشان استفاده نماید. بعضی مواقع مدت‌های طولانی به دنبال آشنا و واسطه‌ای می‌گشت تا بتواند به کتابخانه‌ها دسترسی پیدا کند تا بتواند از کتاب‌ها فیش‌برداری نماید، زیرا برای تدوین فهرست مجبور بودند تک تک کتاب‌های چاپ شده را ببینند.

این جانب توفیق داشتم تا کتابخانه شخصی ایشان را خریداری نمایم. هنگام بررسی کتاب‌ها دیدم ایشان در تدوین شرح حال بعضی از مؤلفین که احتیاج به عکس ایشان داشتند و به خانواده و بستگان آن مؤلف دسترسی نداشتند، از بعضی کتاب‌ها عکس را درآورده و در کتاب خویش استفاده کرده‌اند. گاه برای عکس مؤلفی، هزینه پرداخت کتابی را به جان خریده است، زیرا در آن ایام در صنعت چاپ و نشر، از دستگاه کپی، اسکن و امثال آن خبری نبود.

در این خصوص یکی از مجموعه‌داران به نام آقای حاجی باقر ترقی تعریف می‌کردند: عکس پدرم یا عمویم را ایشان چاپ کردند، در حالی که ما خودمان آن عکس را نداشتیم و نمی‌دانیم ایشان از کجا پیدا کرده‌اند و این هم یکی دیگر از نمونه‌های بارز سخت‌کوشی ایشان است.

۲. گذشت و بخشش در وجود ایشان ریشه دوانده بود

با بیان خاطره از زبان خودش این خصوصیت اخلاقی مشار نمایان می‌شود. مشار تعریف می‌کرد: وقتی کار فهرست‌ها تمام شد و آماده چاپ گردید، مرحوم تقی‌زاده با خبر شده بود. به من اطلاع دادند که آقای تقی‌زاده گفته‌اند اگر مشار بخواهد فهرست‌های او را در بنگاه ترجمه و نشر چاپ می‌کنیم، من بسیار خوشحال شدم و موافقت خودم را اعلام نمودم. بعد از چند روز چند نفر از اساتید از طرف ایشان به منزل ما آمدند تا قرارداد چاپ را امضا نمایم. بعد از تأیید و امضاء قرارداد بابت حق‌التألیف چکی را که قبلاً تهیه کرده بودند، به من دادند و من قبول نکردم. ایشان بعدها به مزاح بیان می‌کرد که من تعارف کردم و چک را برداشتند و ندادند، زیرا

نمی‌دانستم تعارف آمد و نیامد دارد.

برای تأیید و سندیت گذشت و بخشش مشار به قضیه خرید کتابخانه مشار نیز اشاره می‌نمایم: مشار کتابخانه شخصی مهم و بسیار غنی‌ای داشت، زیرا علاوه بر آنکه قسمتی از کتابخانه را خودش تهیه کرده بود، تعداد قابل توجهی نیز ارثیه همسرش بود. پدر زن ایشان از رجال و خانواده سرشناس بود و مدتی نیز پست وزارتی داشتند و از کلیه روزنامه‌های آن زمان دریافت کرده بودند که نصیب کتابخانه مشار شده بود.

مشار همیشه کیف چرمی به دست داشت و ابزار تحقیق و کتاب‌هایش را در آن می‌گذاشت. در اول صبح یکی از روزها در حالی که کیفش از کتاب انباشته بود، به دفتر بنده آمدند و فرمودند قصد فروش دارند، من نیز خریداری کردم. این کار هر صبح زود تا حدود دو ماه تکرار شد.

بعضی مواقع کتاب‌هایی را که می‌آوردند، چند جلد از یک دوره بود؛ یعنی دوره کامل نبود. به ایشان توضیح می‌دادم چون این‌ها ناقص هستند قیمت کمی خواهد داشت بهتر است اینها را جداگانه نگه‌داری کنیم تا کامل شود و بعد قیمت‌گذاری و خریداری شود، اما قبول نکردند و فرمودند: شما قیمت بکنید ممکن است کامل نباشد.

اما من بدون اینکه ایشان متوجه شود کتاب‌های دوره ناقص را کنار می‌گذاشتم تا اگر تکمیل شد ماوالتفاوت آن را پرداخت نمایم. در طول دو ماهی که کار انتقال کتابخانه شخصی ایشان تمام شد، بسیاری از دوره‌های چند جلدی تکمیل شد و آنها را مجدد تقویم نمودم که مبلغ قابل ملاحظه‌ای شده بود. خواستم این مبلغ را تقدیم کنم، قبول نکردند و فرمودند: من به شما عرض کردم که همان قیمت ناقص را حساب کنید زیرا از این کتاب‌ها استفاده کرده‌ام و حالا احتیاجی ندارم، شما کاسب هستید و زحمت می‌کشید خواستم سودی به شما برسد. ولی من اسرار کردم که این پول حق شماست و بایستی قبول بفرمایید. در حال مشاجره بودیم که دوست عزیزمان شادروان سیف‌الدین خان اردلان وارد مغازه شده و به جمع ما پیوستند و از موضوع مطلع شدند. ایشان پیشنهاد دادند این مبلغ را نصف کنید و هر دو طرف به این تقسیم راضی شوند که مشار بالاجبار قبول کردند. لذا این حرکت و منش جوانمردانه مشار نمونه بارز دیگری از گذشت و بخشش مشار است.

۳. مشار منشاء برکت و خیر بود

همان طور که عرض کردم، کتابخانه شادروان مشار مجموعه‌ای غنی از روزنامه‌های قدیمی و مهم داشت و بعضی از آنها بسیار کمیاب بودند. این روزنامه‌ها در بنده انگیزه‌ای ایجاد کرد تا هر کجا روزنامه قدیمی‌ای می‌دیدم خریداری نمایم و بالاخره مجموعه خوبی از روزنامه‌ها فراهم آوردم. روزنامه‌هایی در این مجموعه بود که حتی در کتاب تاریخ جراید صدر هاشمی ذکر نشده بود. به عنوان مثال روزنامه خلاصه‌الحوادث که روزنامه‌ای تک صفحه بود و اکثر نسخه‌های آن از بین رفته بود و من دوره کامل آن را جایی ندیده بودم و سراغ نداشتم. همچنین روزنامه‌های دست‌نوشته‌ای

که آگهی‌های تبلیغاتی داشت از جمله آگهی کتاب‌های کاظم زاده و این مجموعه عظیم و غنی را قبل از انقلاب به دانشگاه شیراز پیشنهاد کردم که گفتند: باید در میدان فاطمی به دفتر آقای شجاع‌الدین شفا تحویل دهید. با وجودی که حمل و نقل روزنامه‌ها مشکل بود، بردم و تحویل دادم. بعد از مدت طولانی که تقویم کرده بودند، دیدم هزینه حمل و نقل روزنامه‌ها نمی‌شود، لذا پس گرفتم و به موزه رضا عباسی پیشنهاد کردم. موزه برای تقویم مرحوم افشار را فرستاده بود. استاد افشار به منزل تشریف آوردند و روزنامه‌ها را دیدند و گزارش داده بودند که مرحوم دکتر رضوانی در این کار تخصص و تجربه بیشتر دارند و بهتر است ایشان تقویم نمایند. از شادروان دکتر رضوانی دعوت نمودند و ایشان بعد از دیدن روزنامه‌ها گزارش داده بودند که من هر وقت بخواهم روزنامه بخرم از مستوفی، مشورت و کمک می‌گیرم، هر چه خود ایشان تقویم نمایند، قبول داریم. بنده نظرم را اعلام کردم و قبول کردند. آن زمان موزه رضا عباسی زیر نظر دوست عزیزم جناب آقای آیدین آغداشلو بود، ایشان از بنده تقاضا کردند تخفیف بدهم و بنده نیز با تخفیف روزنامه‌ها را به موزه دادم که علی‌رغم تخفیف خیر و برکت داشت.

۴. تواضع مشار

چاپ دوم فهرست‌ها با سرمایه خود مشار منتشر شده بود و در منزل خویش در ظهیرالاسلام انبار نموده و توزیع می‌کرد. هر وقت احتیاج داشتیم، خودشان می‌آوردند که این نیز نشانگر تواضع ایشان بود. این خصلت پسندیده مشار در فرزندش نیز مشهود بود، زیرا بعد از فوت مشار هر موقع که تقاضای کتاب داشتیم ایشان نیز همانند پدر از منزل خویش در شمیران به ظهیرالاسلام آمده و کتاب‌ها را تحویل می‌دادند. فرزند مشار نیز چند سال پیش به رحمت ایزدی پیوسته است. خداوند روحش را شاد نماید.

۵. خیرخواه و ناصحی مشفق بود

به عنوان مثال، ایشان همیشه سفارش می‌کردند:
- نماز را اول وقت بخوانید و من از این کار برکات زیادی دیده‌ام.
- همچنین تأکید می‌کردند هنگام رفت و آمد به مغازه از راه‌ها و مسیرهای متعدد و مختلف تردد نمایید و به حدیثی از ائمه اشاره می‌کرد که نقل شده است: اگر از راه‌ها و مسیرهای متعدد و مختلف به محل کار خویش تردد نمایید، با اشخاص متعدد و زیادی آشنا می‌شوید که در رونق کسب و کار بسیار مؤثر است.
- سعی کنید در مغازه‌تان را زودتر از بقیه همکاران باز کنید؛ یعنی صبح خیز باش تا کام روا شوی.
بنده از نصایح ایشان به نتایج مفید و برکات زیادی رسیده‌ام.

۶. شوخ طبعی و خویش اخلاقی مشار مثال زدنی و قابل تأمل است

ایشان هر موقع پای صحبت جوانی می‌نشست که قصد ازدواج دارد، ولی خانواده دختر جواب رد می‌دهد، قضیه خواستگاری خویش را بیان می‌کرد و می‌فرمود: وقتی می‌خواستیم با همسرم که دختر یکی از خویشاوندان و رجال مملکتی بود ازدواج کنیم ...

منابع

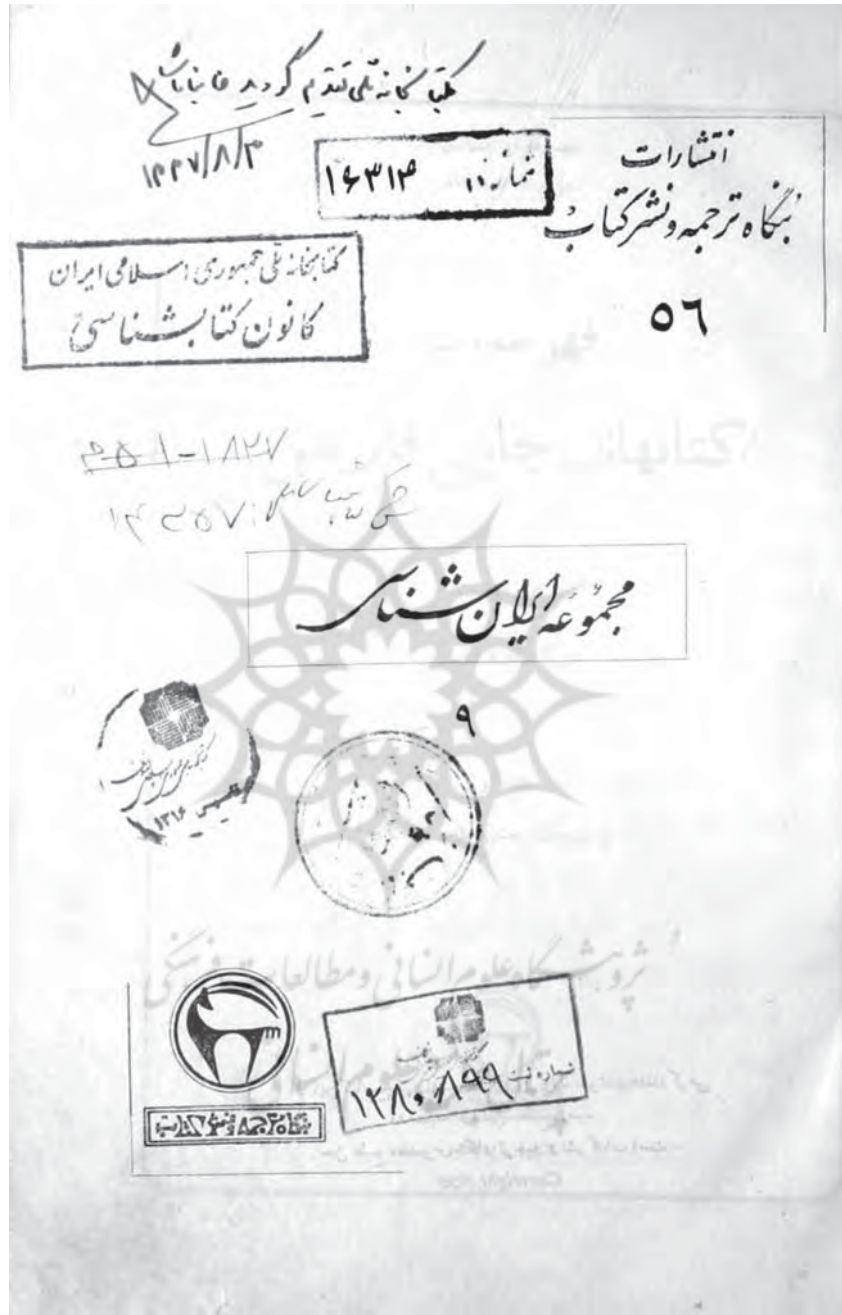
- افشار، ابراهیم، «مشار، خانبابا»، *دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۵.
- افشار، ایرج، «خانبابا مشار (۱۲۷۹-۲۹ شهریور ۱۳۵۹ ش)»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴ الف.
- افشار، ایرج، «فهرست کتاب های چاپی فارسی»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴ ب.^۱
- تقی زاده، سیدحسن، «ضرورت اقدام مشار»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴،^۲
- تقی زاده، سیدحسن، «مقدمه چاپ اول فهرست کتب چاپی فارسی»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴،^۳
- خانبابا مشار، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴،^۴
- خانبابا مشار، «سرآغاز جلد دوم از چاپ اول فهرست اسامی مؤلفین»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴،^۵
- خانبابا مشار، «سرآغاز چاپ اول فهرست کتاب‌های چاپی فارسی»، *پیام بهارستان*، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴،^۶

۱. منبع اصلی این مقاله «مقاله معرفی» فهرست کتاب های چاپی فارسی، تألیف ایرج افشار، در راهنمای کتاب، ۱۳۳۷، ص ۲۵۶-۲۶۰ است.
۲. منبع اصلی این مقاله «مقدمه سید حسن تقی زاده بر کتاب مؤلفین کتاب‌های چاپی فارسی و عربی از آغاز تا کنون، تألیف خانبابا مشار، جلد اول، ۱۳۴۰» است.
۳. منبع اصلی این مقاله «مقدمه سید حسن تقی زاده بر کتاب فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، تألیف خانبابا مشار، اول بهمن ۱۳۳۶» است.
۴. منبع اصلی این مقاله «خدمتگزاران عالم کتاب تهران اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش ۱۳۴۵» ذکر شده است.
۵. منبع اصلی این مقاله «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی: جاپ اول، جلد دوم، سرآغاز: ۱۳۴۲/۵/۲۱» ذکر شده است که با عنوان مقاله چاپ شده در *پیام بهارستان* همخوانی ندارد؟.
۶. منبع اصلی این مقاله «فهرست کتاب‌های چاپی فارسی: جاپ اول، جلد اول، سرآغاز، ۲۲ بهمن ۱۳۳۶» ذکر شده است.

- «خانبابا مشار فهرست‌نویس کتاب‌های فارسی»، برگرفته از کتاب امروز، زمستان ۱۳۵۳، پیام بهارستان، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴.
- دانش‌نامه دانش‌گستر، به کوشش علی رامین، کامران فانی و محمد علی سادات، جلد ۱۵، تهران. دانش‌گستر روز، ۱۳۸۹.
- شاکری، رمضانعلی، واقفین عمده کتاب به کتابخانه‌های آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰.
- صبا، محسن، «خدمت شایان توجه مشار به فرهنگ و ادب فارسی»، پیام بهارستان، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴.^۱
- فقیهی محمدی، علی، یادکردی از یک عاشق صبور و شیفته کتاب، پیام بهارستان، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴.
- قره‌خانی، مهسا، «خانبابا مشار فهرست‌نویس فراموش شده!»، پیام بهارستان، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴.
- محمدخانی، علی اصغر، «خانبابا مشار و تداوم کار فهرست‌نویسی»، روزنامه اطلاعات، هشتم شهریور، ۱۳۷۳.
- یارشاطر، احسان، «تصمیم انجمن فلسفه و علوم نظری در انتشار فهرست مشار»، پیام بهارستان، سال پنجم، شماره ۵۷، اسفند، ۱۳۸۴.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

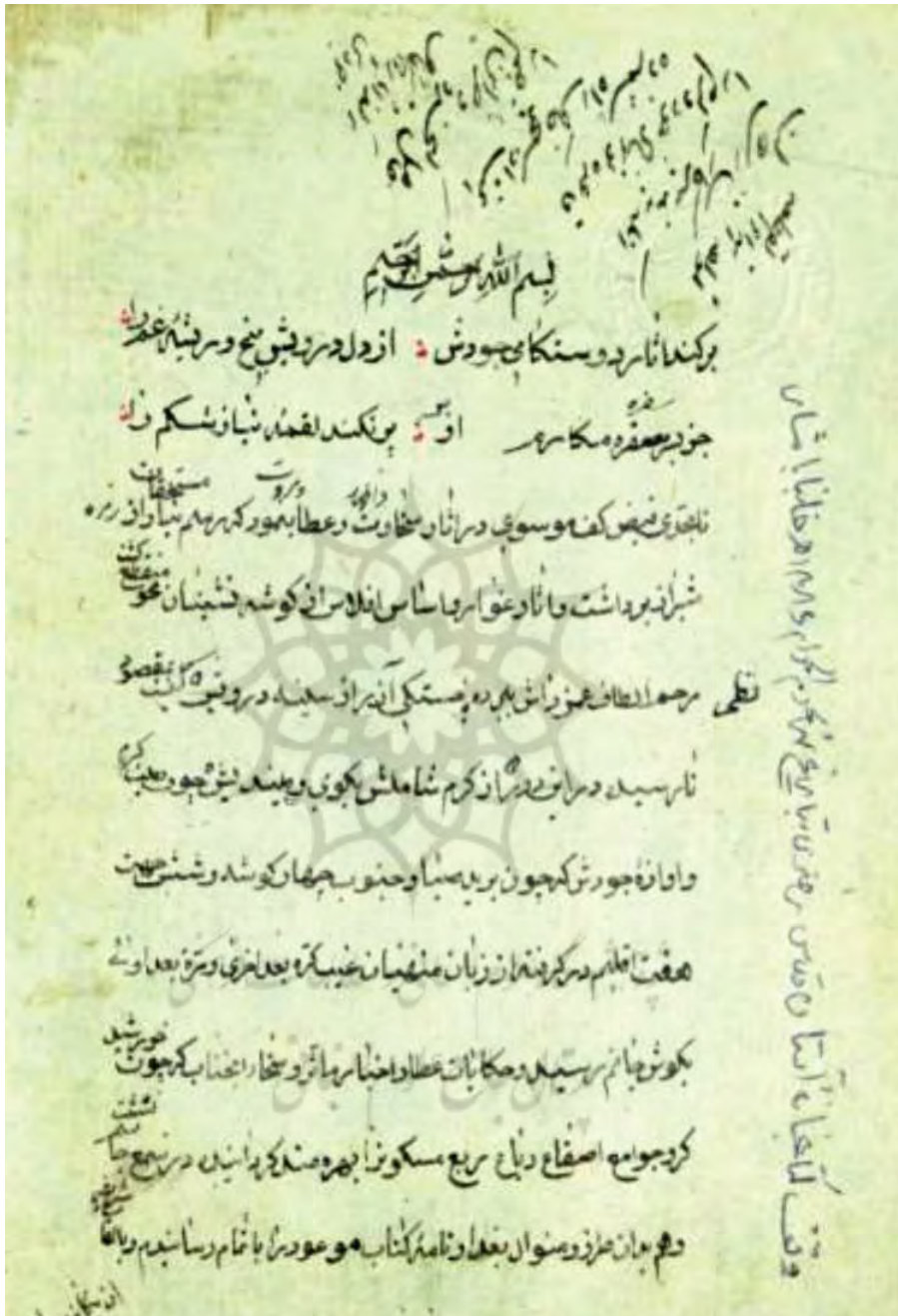
۱. منبع اصلی این مقاله «راهنمای کتاب، شماره اول، سال اول، بهار ۱۳۷۷» ذکر شده است.



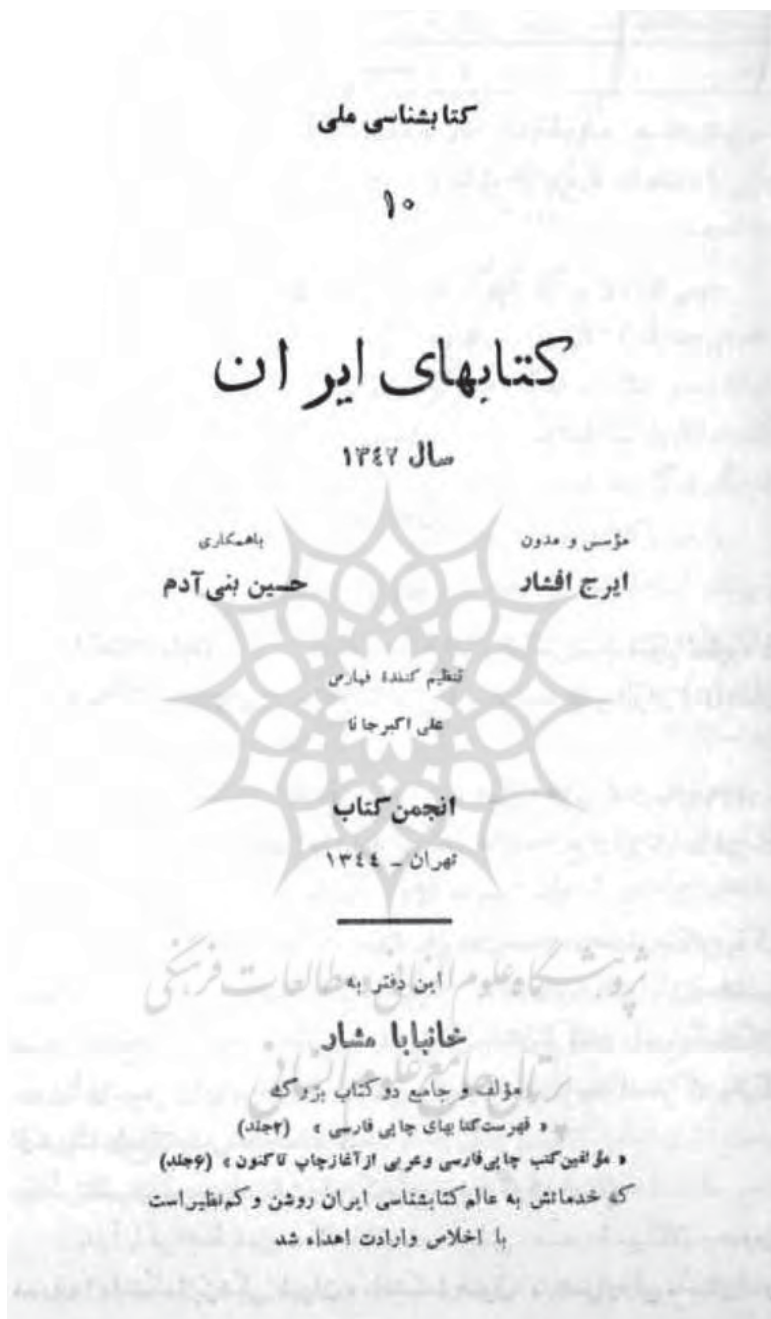
تصویر ۱: یادداشت اهداء کتاب «فهرست کتابهای چاپ فارسی» به کتابخانه ملی ایران
توسط خانابا مشار (مؤلف) در تاریخ ۱۳۳۷/۸/۳



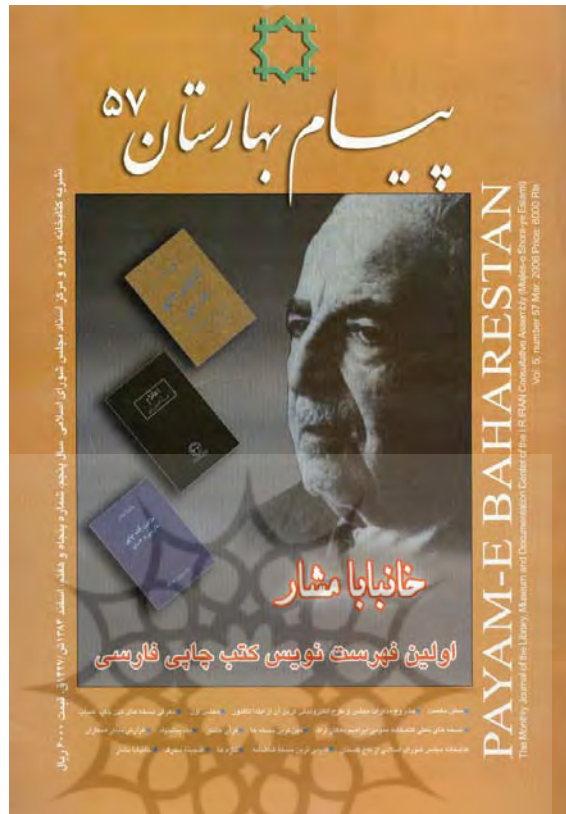
تصویر ۲: یادداشت وقف خانبابا مشار به سال ۱۳۳۸ شمسی در حاشیه نسخه خطی اخلاق منصوره (وقف شده به کتابخانه آستان قدس رضوی)



تصویر ۳: یادداشت وقف خاناباا مشار به سال ۱۳۸۶ [قمری] در حاشیه نسخه خطی شیراز نامه (وقف شده به کتابخانه آستان قدس رضوی)



تصویر ۴: تقدیر از خانبابا مشار توسط پدیدآورندگان کتابشناسی ملی در سال ۱۳۴۴



تصویر روی جلد شماره ۵۷ نشریه پیام بهارستان (سال پنجم، اسفند ۱۳۸۴) کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی



عکسی از خانبابا مشار در اواخر زندگی
(مأخذ عکس: دانش‌نامه دانش گستر، ۱۳۸۹، جلد ۱۵، صفحه ۵۵۶)